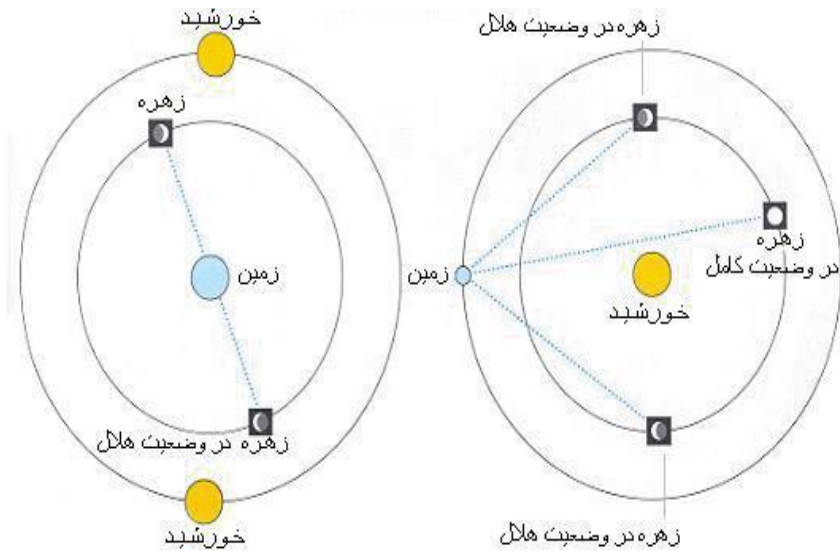


مطابقت علم زمین شناسی روز با آیات قرآن کریم

گردش زمین

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵) «او زمین و سیارات منظومه شمسی را هر کدام بجا و بمورد آفرید. شب را بر روز می پیچاند در حالیکه روز را بر شب می پیچاند. و خورشید و ماه را مناسب نمود. همه آنها تا زمان مشخصی در حرکت هستند». سوره ی زمر آیه ی 5

نکته آیه: سیارات، زمین، خورشید و ماه تا زمان تعیین شده ای در حرکت خواهند بود:



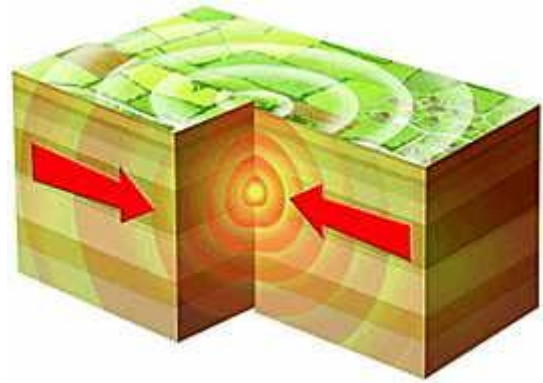
علم نجوم عصر پیامبر می گفت: زمین ثابت و مرکز جهان است. این تئوری تا سال 1543 بقوت خود باقی بود. در آن تئوری یعنی وقتی زمین ثابت و مرکز جهان باشد و خورشید و سیارات بدور زمین بچرخند، ما می بایست سیاره زهره را همیشه به شکلی که در تصویر سمت چپ می بینیم، بصورت هلالهای ماه بینیم. ولی وقتی انسان تلسکوپ بکار گرفت دید که سیاره زهره به شکل ماه کامل (ماه شب چهارده) پیدا است (تصویر سمت راست). نتیجه این شد که زهره می بایست به آن طرف خورشید رفته باشد و آن طرف خورشید باشد تا بتواند به این شکل نور خورشید را بازتاب بدهد. و نتیجه این شد که زهره در واقع دور خورشید می گردد نه به دور زمین. و از اینجا بود که انسان نتیجه گرفت که خورشید در مرکز است و سیارات به دور آن می گردند.

از آنجا که مسلمانان معمولاً چیزهای خارجی را دوست دارند و می پسندند، دنبال اندیشه های علمی آن دوران رفته بوده اند و مانند بقیه نوشته اند که زمین به دور خورشید می گردد، در حالیکه آیه خیلی صریح و واضح پس از اینکه از سیارات و زمین و ماه و خورشید صحبت می کند می گوید: همه آنها (یعنی هر یک از سیارات و زمین و خورشید و ماه) تا زمان تعیین شده ای در جریان هستند (یعنی حرکت می کنند). یکی از حرکتها خورشید حرکت آن در مداری در کهکشان راه شیری با سرعت 900000 کیلومتر در ساعت است، که 225 میلیون سال طول می کشد تا آن را طی کند. و حرکت ماه نیز اینست که بدور زمین در حرکت است.

لایه لایه بودن زمین

وَالْأَرْضُ ذَاتِ الصَّدَعِ (۱۲)

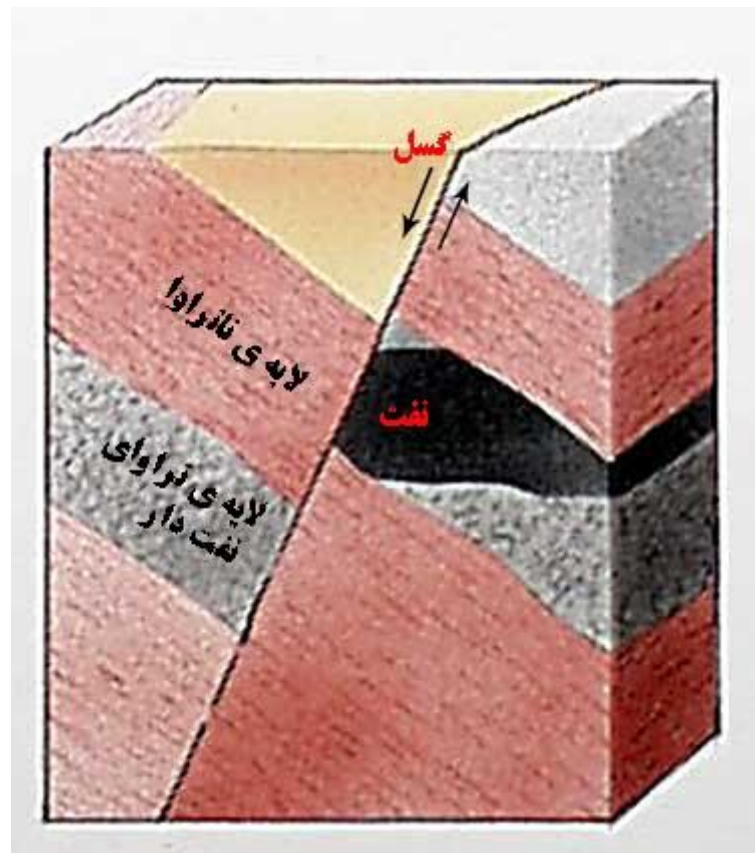
سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت] (۱۲) سوره ی طارق



بنا به اشاره ی دقیق قرآن کریم زمین شکافدار(لایه لایه) است و این لایه ها در داخل زمین حرکت می کنند و هرگاه دو لایه به هم برخورد کنند زلزله آتشفشان کوه در مناطق اقیانوسی جزایر را بوجود می آرند.

در سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۶ عده ای از دانشمندان برای مطالعه به اعماق زمین رفتن که به این حقیقت پی بردند در حالی که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال پیش از این موضوع پرده برداشت.

همچنین دانشمندان کشف کردند اگر زمین شکافدار نبود حرارت سطح زمین به قدی داغ می شده که امکان ادامه ی زندگی برای موجودات زنده نبود.



نقش گردش زمین در آرامش انسان

شماره به گردش زمین و نقش خواب در تثبیت پیام های عصبی و آرامش روح و جسم

سوره النبا 6 = 7 = 8 = 9 .

گهواره همواره در حال چرخش است و طفل را داخل آن می گذارند و می چرخانند ، خدا فرموده آیا ما زمین را گهواره قرار ندادیم ؟ که اشاره است به حرکت زمین به دور خودش و به دور خورشید که مانند گهواره ای بندگان خدا در آن زندگی می کنند اما خودش همواره در حرکت و تکان خوردن است .

همانطور که گهواره ستون می خواهد تا طفل درونش آرام گیرد کوه ها هم ستون زمین هستند تا بر زمین فشار آورند و مانع شکسته شدن لایه های زمین و تولید زلزله شوند یعنی کوه ها ستون گهواره هستند تا طفل در آن آرام گیرد تا زلزله نیاید و در مناطق کوهستانی زلزله کم است و مردم در آن آرام گیرند .

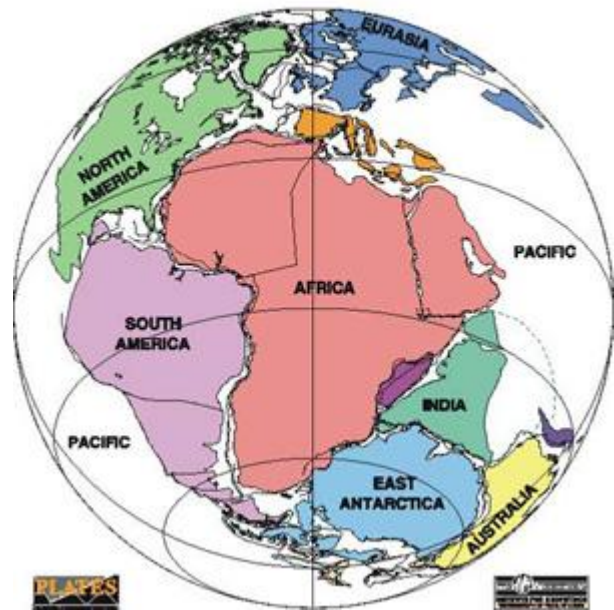
امروزه علم کشف کرده است که در مغز انسان مکان هایی وجود دارد که موادی در آن ها ایجاد می شود وقتی که انسان می خوابد

آن مکان ها مانند باتری شارژ می شود و مقدار آن مواد در آن زیاد می شود و وقتی انسان بیدار می شود میزان آن مواد کم کم کاهش می یابد طوری که اگر خواب نبود ، بیم آن بود انسان شبیه دیوانه ها شود یعنی خواب باعث شارژ سلول های عصبی و مغز شده و باعث قوی شدن گیرنده های عصبی و واکنش سریع آنان با محیط می گردد و خدا در قرآن می فرماید : *و جعلنا نومکم سباتا* : یعنی خدا خواب را مایه ثبات شما قرار داده که عمل ترمیمی سلول های مغزی که باعث شارژ شدن مغز می شود را در پی خواهد داشت .

هفت لایه بودن زمین

اعجاز قرآن در جدایی قاره ها

پانگهآ-قاره واحد



قرآن کریم در آیات 30 و 31 سوره نازعات می گوید:

[وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا، أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا]

«و زمین را بعد از خلقت آسمان بگسترانید و از آن آب و گیاه پدید آورد»

آیه کریمه فوق، به وضاحت می‌رساند که زمین از آغاز امر خلقت به شکل کنونی خود نبوده، بلکه مدت زمان طولانی بر آن گذشته است که خدای عزوجل آن را در طی این مدت هموار و آماده بهره‌برداری ساخته است.

آیه کریمه به طوری شگفت‌انگیز با جدیدترین اکتشافات علمی تفسیر می‌شود، چه تازه‌ترین ره‌آوردهای علم جدید با این آیه مبارکه انطباق کامل دارند. این ره‌آورد جدید علم، همانا «تئوری دورشدن قاره‌ها از یکدیگر» یا «Of Drifting Contionents» می‌باشد. خلاصه آنچه را که این تئوری مطرح ساخته، عبارت از این است که قاره‌های کره زمین در زمانی از زمانها اجزای به هم چسبیده یکدیگر بوده اند و سپس آرام آرام به پارچه شدن و دورگردیدن از همدیگر آغاز نموده و به این ترتیب تدریجاً قاره‌های جداگانه‌پی را که دریاها و اقیانوس‌های بزرگ در میان آنها حایل گردیده است، تشکیل داده‌اند. این نظریه برای اولین بار در سال 1915م و درست در هنگامی مطرح گردید که متخصص و کارشناس مشهور علم «طبقات الارض» استاد «فرید واگنر» آلمانی چنین اعلام نمود: «اگر ماتمام قاره‌ها را به همدیگر نزدیک گردانیم، این قاره‌ها طوری با هم متصل و پیوسته می‌گردند که یک پیکر واحد و همسان را تشکیل می‌دهند، بی آنکه در میان آنها کمترین فاصله و یا شکاف ناهمگونی قرارداداشته باشد. درست همانگونه که در بازیهای معما گونه موسوم به «Jigsawpazzle» رونما می‌گردد».

شواهد و قراین زیاد علمیی وجود دارد که به تئوری دانشمند آلمانی فوق الذکر قوت و قطعیت می‌بخشد. از جمله این شواهد وجود کوه‌های همانند و یکسان در سواحل دریاهاى مختلف است، کوه‌های که عمر زمینی آنها نیز یکی می‌باشد. نشانه دیگر عبارت از وجود حیوانات، نباتات و ماهیهای همانند و هم خانواده در این سواحل دور از همدیگر است. البته همین مشاهدات است که دانشمند مشهور علم نباتات پرفسور «رونالدگود» را وا داشته تا در کتاب «جغرافیای گل‌های نباتی» «Flowering Plants Geography» چنین بگوید: «دانشمندان علم نباتات به اتفاق تئوریی را که می‌گوید: بخش‌های مختلفه زمین روزگاری به یکدیگر پیوسته بوده‌اند، پذیرفته‌اند چه بدون پذیرش این تئوری، تفسیر پدیده وجود نباتات همانند در قاره‌های مختلف نیز ناممکن می‌شود».

شواهد علمی فوق به تنهایی کافی بود تا تئوری «پیوستگی قاره‌ها» را قطعی سازد، اما بعد از اکتشافات علم جاذبه فسیلی «Fossil Magnetism» دیگر هیچ جای تردید و درنگی در مورد علمی بودن تئوری فوق الذکر باقی نماند؛ زیرا دانشمندان فوسیل‌شناس بعد از بررسی فوسیل‌ها و سنگواره‌های مختلف، این توانمندی را پیدا کردند تا موقعیت هر سرزمینی را که در آن اشیا و اجسام به سنگواره‌های فوسیلی تبدیل شده اند، مشخص گردانند. چنانکه بررسیهای علم فوسیل شناسی با قوانین «جاذبیت زمینی» نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ قوانینی که اثبات می‌کند بخش‌ها و قاره‌های مختلف زمین در روزگاران بسیار دور، نه در مکانهای فعلی خود بلکه درست در مکانهایی قرار داشته اند که تئوری «دورشدن قاره‌ها از همدیگر» آنها را مشخص گردانیده است.

پروفسور «بلاکیت» استاد علوم طبیعی در فاکولته سلطنتی لندن در این رابطه می‌گوید:

«بررسی سنگ‌هایی در کشور هند نشان می‌دهد که این سنگها در حدود هفتاد میلیون سال قبل، در جنوب خط استوا قرار داشته اند. به همین ترتیب، بررسی کوه‌های جنوب افریقا نشان‌دهنده این حقیقت است که قاره افریقا، سیصد میلیون سال قبل، از قطب جنوب جدا شده است».

بلی عزیزان! باید گفت که آیه (31) سوره مبارکه نازعات که محور بحث این حلقه ماست، در توصیف تطوّر تکاملی زمین، واژه «دجو» را به کار گرفته است که معنی آن هموارکردن و پراکنده ساختن است. چنانکه اعراب می‌گویند: «دَحَاَ الْمَطَرُ الْحَصَى - باران سنگریزه‌ها را هموار و پراکنده ساخت». و این البته عین همان مفهوم انگلیسی «Drift» را می‌رساند که در امر تعبیر از تئوری جدید جغرافیایی فوق، به کار گرفته شده است.

بناءً با این توافق تکان‌دهنده علم جدید با متن آیه مبارکه، حتی شکاک‌ترین انسانهای روی زمین هم نمی‌توانند به این حقیقت ایمان نیاورند که این کلام معجز بیان، فقط می‌تواند از نزد ذاتی صادر شود که با علم و قدرت لایزال خویش، بر گذشته، حال و آینده به طور یکسان احاطه دارد. سبحانک یارب!

اشاره ی قرآن به نیروی جاذبه

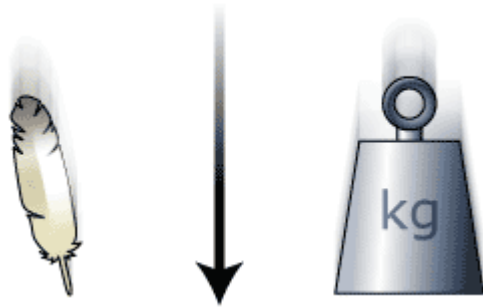
أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم (مرسلات ۲۵)

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكْتَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (41)

همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا نیفتند و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی‌دارد اوست بردبار آمرزنده فاطر (۴۱)

و نیز همین مضمون در آیه 65 سوره حج آمده است



نیروی جاذبه نیروی کششی است که بین همه اشیا به خاطر جرمشان به وجود می‌آید. جرم یک شیء مقدار ماده آن است. به خاطر نیروی جاذبه، شیئی که نزدیک سیاره زمین است به سوی سطح سیاره می‌افتد. بر شیئی که روی سطح زمین است هم به خاطر قوه جاذبه، یک نیروی روبه پایین به وجود می‌آید. ما نیروی جاذبه را بر بدنمان به صورت وزنمان احساس می‌کنیم. همچنین جاذبه، گازهای داغی را که **خورشید** را تشکیل می‌دهد با هم نگه می‌دارد و **سیارات** نیز به خاطر نیروی جاذبه در مدارهای اطراف خورشید باقی می‌مانند.

انسان‌ها برای قرن‌های متمادی درباره نیروی جاذبه دچار سوء تفاهم بودند و آن را درست نمی‌فهمیدند. در قرن چهارم پیش از میلاد، ارسطو فیلسوف و دانشمند یونانی این ایده نادرست را تدریس می‌کرد که اشیا سنگین سریع‌تر از اشیا سبک می‌افتند. مردم این ایده را تا ابتدای قرن 17 میلادی قبول داشتند. یعنی تا زمانی که گالیله دانشمند ایتالیایی آن را تصحیح کرد. گالیله گفت که همه اشیا با شتابی یکسان سقوط می‌کنند مگر این که مقاومت هوا یا برخی نیروهای دیگر روی آنها اثر بگذارد. شتاب یک شیء میزان تغییر سرعت آن در واحد زمان است. او گفت یک شیء سنگین و یک شیء سبک که از ارتفاعی مساوی می‌افتند همزمان به زمین می‌رسند.

تاریخچه :

برخی معتقدند که (بعد از اشارات علمی قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام)) ابوریحان بیرونی (440 ق) اولین کسی بود که به نیروی جاذبه پی برد. اما مشهور آن است که نیروی جاذبه عمومی اولین بار توسط نیوتن (در قرن هفدهم میلادی) کشف شد. داستان افتادن سیب از درخت و انتقال ذهنی نیوتن به نیروی جاذبه معروف است. نیوتن بر اساس قوانین کلی حرکت سیارات را اینگونه تبیین کرد:

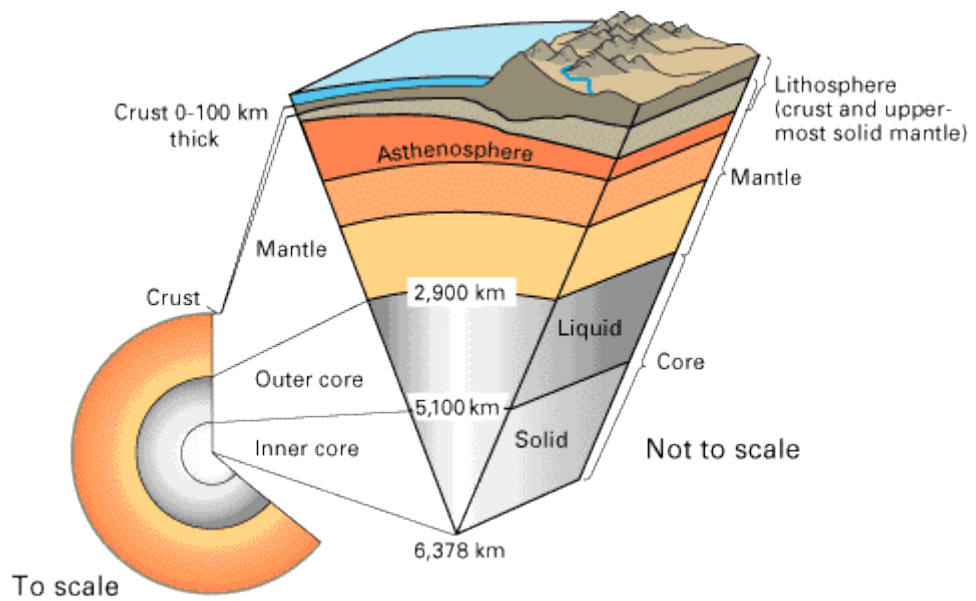
الف - بر طبق قانون جاذبه عمومی کلیه اجسام همدیگر را جذب می‌کنند و این کشش به دو چیز بستگی دارد: جرم و فاصله یعنی با جرم نسبت مستقیم دارد و هر قدر جرم یک جسم بیشتر باشد نیروی کشش آن نیز زیادتر می‌شود. برای مثال جرم خورشید 330 هزار برابر جرم زمین است و لذا نیروی جاذبه خورشید نیز 330 برابر نیروی جاذبه زمین است و بر همین اساس است که زمین تحت تأثیر نیروی جاذبه کمتر می‌شود و به نسبت مجذور این فاصله نیروی جاذبه کاهش می‌یابد مثلاً اگر این فاصله دو برابر شد نیروی جاذبه چهار برابر کمتر می‌شود.

ب - بر طبق قانون گریز از مرکز هر جسمی که برگردد مرکزی حرکت کند در آن جسم طبعاً کششی بوجود می‌آید که می‌خواهد از آن مرکز دور شود. مثل قطعه سنگی که به ریسمانی بسته‌ایم و می‌گردانیم. حرکت زمین، سیارات، قمرها و اجرام آسمانی در مدارهای خود و گرد همدیگر در نتیجه ترکیب دو نیروی جاذبه و گریز از مرکز است همین دو نیرو است که اجرام فضائی را در مدار خود نگاه می‌دارد و از سقوط آنها و از تصادم و اصطکاک آنها باهم جلوگیری می‌کند.

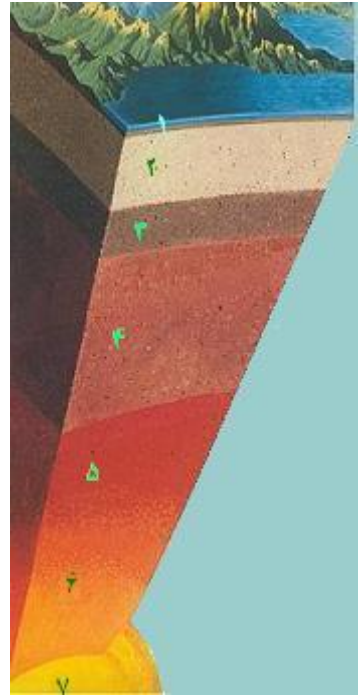
تشکیل شدن جو زمین و زمین از هفت لایه

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِيَتَلَمَّوْا أَنْ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

"خدا آن است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز چیزی مانند آنها" **طلاق 12**
همانطور که قرآن مطرح کرده زمین در واقع از 7 قشر (7 لایه) تشکیل می‌شود:



- 1- قشر خارجی زمین. این قشر اساساً از سنگ خارا و کوههای آن تشکیل شده. دما در عمق یازده کیلومتری به 1100 درجه می رسد.
- 2- قشر زیر قشر خارجی. این قشر از مگنیزیم و سیلیکات آهن تشکیل شده و در 400 کیلومتری دما تقریباً 1400 درجه است.
- 3- سومین قشر زمین در عمق میان 400 تا 700 کیلومتری قرار دارد. و از همان عناصر قشر بالائی تشکیل شده است. دما در آن بالای 1400 درجه است.
- 4- چهارمین قشر تا 2900 کیلومتری عمق امتداد دارد. پائین آن آهن و سیلیکات منیزیم تقریباً 3800 درجه گرم است.
- 5- **دمای آن بالای 3800** درجه است و فعل و انفعالات خشونت باری در آن صورت می گیرد.
- 6- ششمین قشر از آهن و آلیاژ فلز نیکل و مقادیر کمی سولفید آهن تشکیل شده. گفته میشود که جریانهای این قشر باعث نیروی آهن ربائی زمین میشود. دمای آن میان 3800 تا 4200 درجه است.
- 7- از همان آهن و نیکل قشر بالائی خود تشکیل شده و در مرکز آن دما به 6000 درجه می رسد.



تهیه و تنظیم

www.ejazquran.ir

<http://believe.blogspot.com>

<http://islam-pdf.persianguig.ir>

<http://mmosadegh.blogspot.com>